



تزه‌های مربوط به جبهه واحد کارگری

ضمیمه تزه‌های مربوط به تاکتیک‌های کمینترن (۱)

بیهودگی توهمات رفرمیستی پی برده اند و متقا عدسه‌ها ندکه بدون مبارزه راه فراری در مقابل آنها جم‌گا نگسترهای سرمایه‌دار وجود ندارد.

۴ - احزاب کمونیست می‌توانند می‌باید که امروزه «مهره» مبارزاتی را که در گذشته در شرایط کاملاً نامسا عدیبی تفا وتسی بوده‌ای انجام دادند، بدست آورند اما، همراه با رشد دائمی اعتماد توده‌های کارگری به عناصر سازش‌نا پذیر و مبارز، به عناصر کمونیست طبقه کارگر، روحیه بی سابقه‌ای نیز برای اتحاد آنان را تسخیر کرده‌است. اقتضای جدید از لحاظ سیاسی کم تجربه کارگران که تازه پایه‌محنه فعالیت می‌گذارند، به وحدت تمام احزاب کارگری و حتی تمام سازمان‌های کارگری دل بسته‌اند. آنها امیدوارند که بدین طریق بتوانند مقاومت در برابر برت‌ها جم سرمایه‌داری را تقویت کرد. این لایه‌ها که اغلب قبلاً در مبارزات سیاسی نقش فعالی نداشته‌اند، امروزه راه جدیدی برای امتحان کردن برنامه‌های عملی رفرمیزم را در برت‌ت تجربه خویش پیدا می‌کنند. همانند اینان، بخش‌های قابل ملاحظه‌ای از کارگران متعلق به احزاب قدیمی سوسیال دموکراتیک حتی امروزه نیز حاضر به ص‌ه گذاردن بر حملات سوسیال دموکرات‌ها و سنتریست‌ها علیه پیشگام کمونیستی نیستند. آنها حتی شروع به درخواست توافق با کمونیست‌ها کرده‌اند، هرچند که در عین حال هنوز از اعتقاد خود به رفرمیزم دست نکشیده‌اند و تعداد زیادی از آنها هنوز از احزاب بین الملل‌های دوم و آمستردام حمایت می‌کنند. آنها هنوز مطالبات و برنامه‌های خود را آنچنان دقیق فرموله نکرده‌اند، اما بطور کلی روحیه جدید در میان این توده‌ها به تمایل به ایجاد یک جبهه واحد و ادراختن احزاب و اتحادیه‌های بین المللی‌های دوم و آمستردام به جنگیدن در کنار کمونیست‌ها علیه حملات سرمایه‌داری خلاصه می‌شود. و تا این اندازه، این روحیه مترقی‌ست. مهمترین نکته این است که ایمان شان به رفرمیزم متزلزل شده‌است. در اوضاع کنونی جنبش کارگری، هر عمل توده‌ای جدی، حتی اگر بشماره‌های جزئی آغاز شود، بطور اجتناب‌نا پذیر مسائل اساسی و عمومی انقلاب را مطرح خواهد کرد. پیشگام کمونیستی فقط هنگامی می‌تواند این لایه‌های جدید کارگران را به خود جلب کند که آنها بواسطه تجربه خویش متقا عدسه‌ها باشند که رفرمیزم توهمی پیش نیست و سازش خطرناک است.

۱ - جنبش بین المللی کارگری در حال حاضر از یک دوره ویژه انتقالی می‌گذرد که برای بین الملل کمونیستی بطور کلی و برای بخش‌های جداگانه آن مسائل تاکتیکی مهم وجودی را مطرح می‌سازد. این دوره زمانی توان اساساً با خصویات زیر مشخص کرد: بحران جهانی اقتصادی و خیمتری شود؛ بیکاری افزایش می‌یابد؛ در تقریباً تمام کشورها، سرمایه بین المللی حمله نظامی‌های را علیه طبقه کارگر بر راه انداخته که عمده‌ترین نشانه آن تلاش آشکار برای کاهش دستمزدها و پاشین آوردن سطح عمومی زندگی کارگران است؛ ورشکستگی پیمان صلح و زسای روز بروز برای اکثریت عظیم کارگران واضح ترمی شود.

واضح است که اگر بپرولتاریای بین المللی نتوانند نظام بورژوازی را سرنگون کنند، وقوع یک یا حتی چند جنگ امپریالیستی اجتناب‌نا پذیر خواهد بود. کنفرانس واشنگتن (۲) به صراحت این مطلب را نشان داده‌است.

۲ - احیاء نوعی از توهمات رفرمیستی که بخاطر برخی شرایط در میان بخش‌های گسترده‌ای از کارگران بر راه افتاده بود، اکنون تحت فشار حقایق جای خود را به روحیه کاملاً متفاوتی می‌دهد. توهمات دموکراتیک و رفرمیست که بعداً از تمام کشتار امپریالیستی در میان برخی از کارگران (از یک طرف میان کارگران مرفه‌ترو از طرف دیگر در میان کارگران از لحاظ سیاسی کم تجربه‌تر) دوباره ظهور کرده بودند، میوه‌ای به بار نیاوردند و در حال برطرف شدنند. مسیری بعدی و نتایج "کار" کنفرانس واشنگتن هر چه بیشتر به این توهمات پایان خواهد داد. اگرشش ماه پیش ممکن بود که برخی قید و شرط‌ها از یک حرکت عمومی به راست در میان توده‌های کارگران اروپا و آمریکا سخن گفته شود، امروزه می‌توان با اطمینان گفت که حرکتی معکوس به‌چپ آغاز شده‌است.

۳ - از طرف دیگر، تحت تاثیر تها جم فزاینده سرمایه‌داری روحیه جدیدی در میان کارگران شکل گرفته‌است: تمایل خود بخودی در جهت وحدت که عملاً غیر قابل مهار کردن است و به موازات افزایش تدریجی اعتماد توده‌های وسیع کارگران نسبت به کمونیست‌ها صورت گرفته‌است.

۵ - هنگامی که اعتراضات آگاهانه و سازمان یافته علیه خیانته پیشگی رهبران بین الملل دوم هنوز مراحل اولیه خود را طی می‌کرد، کنترل تمام دستگاه سازمان‌های کارگری در دست این رهبران بود. آنها با سوء استفاده ظالمانه از اصل وحدت و انضباط کارگری اعتراضات انقلابی پرولتاریا را در نطفه حقه کردند و نتوانند تمام قدرت سازمان‌های کارگری را در خدمت امپریالیسم ملی قرار دهند. در چنین شرایطی، جناح انقلابی ناچار بود که به هر قیمتی که شده آزادی تهییج و تبلیغ، یعنی آزادی تشریح

این خیانت تاریخی بی سابقه را بدست آورد و به پرولتاریا نشان دهنده احزاب و اتحادیه‌هایی که خود را جدا کرده اند مرتکب چنین خیاناتی شده اندومی شوند.

۶ - امروزه ، احزاب کمونیست که آزادی کامل سازمانی برای گسترش نفوذ ایدئولوژیک خود در میان توده‌های کارگری را به نفع تضمین کرده‌اند ، می‌کوشند تا در هر فرصتی وحدت هر چه گسترده‌تر و کامل‌تر این توده‌ها را در فعالیت‌های عملی تحقق بخشند . قهرمانان بین الملل دوم و آستردا مدرحرف درباره وحدت موعظه می‌کنند ، اما عملشان نفی آن است . اکنون که سازشکاران رفرا میست آستردا مدارفادات سازمانی خود برای سرکوب صدای اعتراض ، انتقاد و آمال انقلابی‌ها ناکام مانده‌اند ، تلاش می‌کنند تا از طریق ایجاد انشعاب و اغتشاشات و خرابکاری‌های سازمان یافته درون مبارزات توده‌های کارگری راه فرار از این بیست خود را پیدا کنند . یکی از مهمترین وظایف روز کمونیست‌ها همانا افسای علنی این اشکال جدید خیانت‌های کهنه است .

۷ - اما ، دیپلوما تها و رهبران بین الملل‌های دوم و دومیم اخیرا بواسطه تحولات عمیق درونی ناشی از موقعیت عمومی اقتصادی طبقه کارگر در اروپا و آمریکا خود را جا زده اند که مساله وحدت را مطرح کنند . هر چند برای بخش‌های بی تجربه کارگران که از لحاظ سیاسی تازه شروع به آگاه شدن کرده‌اند ، شعار جبهه و احببیا نراستین تمایل واقعی آنان به گردهم آئی نیروهای ستم‌دیدگان علیه حملات سرمایه‌داری است ، برای رهبران و دیپلوما تهای بین الملل‌های دوم ، دوونیم و آستردا مطرح شعار وحدت معرف تلاش جدیدی برای تحمیل کارگران و راه جدیدی برای کشیدن آنان به مسیر سازش طبقاتی است . خطر قریب الوقوع یک جنگ جدید امپریالیستی ، رشد تسلیحات نظامی و قرار دادهای جدید مخفیانه امپریالیستی همگی نه تنها رهبران بین الملل‌های دوم ، دوونیم و آستردا را بر آن نخواهند داشت که زنگ خطر را بجا در آورند و وحدت بین المللی طبقه کارگر را نه در حرف که در عمل ممکن سازند ، بلکه برعکس در درون این سازمانها همان اسلکا کات و انشعاباتی را که خود در اردوگاه بورژوازی بین المللی مشاهده می‌شود ، ایجاد خواهند کرد . این جریان اجتناب ناپذیر است زیرا که سنگ بنای رفرمیزم همانا همبستگی " سوسیالیست رفرمیست " ها با بورژوازی کشور " خودشان " است .

اینها هستند آن شرایط عمومی که بین الملل کمونیستی بطور کلی و بخش‌های جداگانه آن باید به هنگام فرموله کردن برخورد خود نسبت به شعار جبهه و احد سوسیالیستی در مدنظر داشته باشند .

۸ - کمیته اجرائی بین الملل کمونیستی بر اساس ارزیابی خود از اوضاع بر این اعتقاد است که شعار رکنگره " سوم جهانی " بسوی توده‌ها " ، و نیز منافع عمومی جنبش کمونیستی ایجاد می‌کنند که احزاب کمونیست و بین الملل کمونیستی بطور کلی از شعار جبهه واحد کارگران پشتیبانی کنند و ابتکار عمل در رابطه با آن را در دست خود بگیرند . البته ، تاکتیک‌های خاص هر یک از احزاب کمونیست باید بر اساس شرایط و اوضاع هر کشور خاص مشخص شود .

۹ - در آلمان ، حزب کمونیست در آخرین کنفرانس سراسری خود از شعار جبهه و احد کارگران حمایت کرد و امکان پشتیبانی خود را از یک " حکومت متحد کارگری " که به مبارزه جدی علیه قدرت سرمایه‌داری تمایل نشان دهد ، اعلام داشت . کمیته اجرائی بین الملل کمونیستی این تصمیم را کاملاً تأیید می‌کند و اطمینان دارد که حزب کمونیست آلمان خواهد توانست همراه با حفظ کامل موضع سیاسی مستقل خود به همه بخش‌های طبقه کارگر دسترسی یابد و نفوذ کمونیستی در میان توده‌ها را گسترش دهد . بیش از هر جای دیگری در

آلمان توده‌های وسیع هر چه بیشتر متفادخواهند شد که پیشگام کمونیستی هستند . هنگامی که در سخت‌ترین شرایط زمین گذاردن سلاح خود را نپذیرفت ، توخالی بودن وعده‌های زیبای رفرمیست‌ها برای حل بحران را پیگیرانه افشا کرد و توضیح داد که تنها راه حل بحران همانا انقلاب پرولتری است ، مطلقاً حق داشت . با پیروی از این تاکتیک حزب می‌تواند همه عناصر را تا ریشیت و سندیکالیست را که فمسللا از مبارزات توده‌ای کنار گرفته‌اند ، بدور خود گرد آورد .

۱۰ - در فرانسه اکثریت کارگرانی که از لحاظ سیاسی سازمان یافته‌اند از حزب کمونیست حمایت می‌کنند . بنا بر این ، مساله جبهه و احد در فرانسه با سایر کشورها متفاوت است . اما ، در آنجا هم مهم است که تمام مسوولیت هرگونه انشعابی در اردوی متحد کارگران بدوش مخالفین ما بیفتد . جناح انقلابی سندیکالیست‌های فرانسوی در مبارزه خود علیه انشعاب در اتحادیه‌های کارگری و تلاش برای حفظ وحدت طبقه کارگر در مبارزات اقتصادی علیه بورژوازی کاملاً محو است . اما مبارزه کارگران در حوزه صنعت محدود نمی‌شود . در برتر موج فزاینده ارتجاع ، سیاست‌های امپریالیستی و غیره نیز اهمیت اساسی وحدت برجسته می‌شود . سیاست رفرمیست‌ها و سنترالیست‌ها که به انشعاب در حزب منجر شد ، اکنون حتی وحدت جنبش اتحادیه‌های کارگری را تهدید می‌کند . و این دلیل عینی دیگری است که همکاران ژوئولانگه (۳) با بورژوازی را اثبات می‌کنند . شعار اتحاد پرولتری در مبارزات اقتصادی و سیاسی علیه بورژوازی بهترین وسیله برای عقیم ساختن این نقشه‌های انشعاب‌گرانه است .

اگر چه کنفدراسیون رفرمیست کارگران برهبری ژوئو ، مرام و شرکا (۴) به منافع طبقه کارگر فرانسوی خیانت خواهد کرد ، کمونیست‌ها و عناصر انقلابی طبقه کارگر فرانسوی باید قیام از هرا عصبانیت توده‌ای ، نظا هرات انقلابی و با هرگونه عمل توده‌ای خود انگیزه از رفرمیست‌ها بخوانند که از ابتکار توده‌ها حمایت کنند ، هنگامی که از شرکت در مبارزات انقلابی کارگران خودداری می‌کنند ، آنها را سرخشان افشاء سازند . این ، بهترین راه طلب توده‌های کارگری است که خارج از حزب قرار دارند . البته ، استفاده از این روش نباید به هیچ وجه استقلال حزب کمونیست را مورد مصالحه قرار دهد ، مثلاً ، از طریق حمایت حتی بشکل محدود از " بلوک چپ " در انتخابات (۵) و یا نرمش درباره " کمونیست " های مردد که همنسوز از انشعاب با سوسیال - شوونیست‌ها برابر تا سف می‌کنند .

۱۱ - در بریتانیا ، حزب رفرمیست کارگر از پیوستن حزب کمونیست بر اساس شرایط مشابهی که با بریتانیا می‌کند ، از آن برخوردارند ، جلوگیری کرده است . اما ، تحت تأثیر روحیه فزاینده کارگران برای وحدت ، سازمان‌های کارگری لندن اخیراً به قطعنامه‌ای رای دادند که از پیوستن حزب کمونیست بریتانیا به حزب کارگر حمایت می‌کند .

البته ، بریتانیا از این لحاظ یک استثنا است . شرایط ویژه آنجا باعث شده است که حزب کارگر بریتانیا نباید به یک نوع سازمان عمومی کارگران کل کشور تبدیل شود . کمونیست‌های بریتانیا با یدفعالیست گسترده‌ای را برای راه یافتن به درون حزب کارگر آغاز کردند . خیانت‌های اخیر رهبران اتحادیه‌های کارگری در اعتماد معدنچیان ، فشار روزافزون سرمایه‌داری برای کاهش دستمزدها و غیره ، ناراضی عمیقی را در توده‌ها پرولتاریای بریتانیا برانگیخته و این طبقه هر چه بیشتر انقلابی می‌شود . کمونیست‌ها باید تحت شعار جبهه و احد انقلابی علیه سرمایه‌داری در تلاش خود را مبدول دارند تا به هر قیمتی که شده نفوذ خود را در صفوف سادگان کارگر گسترش دهند .

۱۲- در ایالت لیا حزب جوان کمونیست شدیداً با حزب رفرمیست سوسیالیست ایالت لیا و خائنین کنگفدزا سپون کارگری که همین چندی پیش منافع انقلاب پرولتری را فروختند، مبارزه می‌کند. اما، با این وجود، فعالیت تبهی خود را حول شعار جبهه واحد زمزمه‌دهی پرولتری علیه تمام سرمایه‌داری آغاز کرده است. هیات اجراییه بین الملل کمونیستی اعتقاد دارد که این فعالیت کاملاً بیجاست و فقط تاکیدی کند که در همین جهت تقویت شود. هیات اجراییه اطمینان دارد که حزب کمونیست ایالت لیا با افشای بی رحمانه خباثت و تزلزل رفرمیست‌ها و سنتریست‌ها (که تحت پوشش کمونیستی مخفی شده‌اند) در هر قدم، و در آن واحد، با مبارزه‌خستگی ناپذیر برای وحدت جبهه کارگری علیه بورژوازی که با پدیده‌ها گسترش یابد و بخش‌های هر چه وسیع‌تری از توده‌ها را دربرگیرد، نمونه‌ای از مبارزه کمیزم‌زمنانه را به کل بین الملل ارائه خواهد داد. در این رابطه حزب با بدیهی‌ها حداکثر تلاش خود را برای تضمین شرکت عناصر سندیکیالیست انقلابی در مبارزات مشترک بکار بگیرد.

۱۳- در کلملوآکی که حزب کمونیست از پشتیبانی بخش مهمی از کارگران سازمان یافته در تشکیلات سیاسی برخوردار شده، وظایف کمونیست‌ها در برخی از جوانب مشابه کمونیست‌های فرانسه است. حزب کمونیست کلملوآکی در عین حالی که آخرین باقیمانده‌های سنتریزم را تمهیه می‌کند و استقلال خود را استحکام می‌بخشد، باید بتواند شعار جبهه واحد کارگری علیه بورژوازی را در سراسر کشور ترویج دهد و رهبران سوسیال دموکراسی و سنتریست‌ها را به‌نما یندگان سرمایه‌داری در میان عقب‌افتاده‌ترین کارگران برای همیشه افشا سازد. حزب کمونیست باید در آن واحد تلاش‌های خود را برای جلب اتحادیه‌های کارگری که کم‌کم کارگران در دست رهبران خائن هستند، افزایش دهد.

۱۴- در سوئد انتخابات اخیر پارلمانی موقعیتی را ایجاد کرده است که به جناح کوچک نمایندگان کمونیست اجازه خواهد داد که نقش عمده‌ای ایفا کند. آقای برانتسنگ، یکی از رهبران مهم بین الملل دوم در عین حال نخست وزیر بورژوازی سوئد، در سوئد - قمییتی قرار گرفته است که بخاطر تضمین اکثریت پارلمانی نمی‌تواند نسبت به اقدامات فراکسیون کمونیستی در پارلمان بی‌تفاوت بماند. هیات اجراییه بین الملل کمونیستی معتقد است که فراکسیون کمونیستی در پارلمان سوئد می‌تواند تحت برخی از شرایط از وزارت منشویک برانتسنگ حمایت کند. همان‌طور که کمونیست‌های آلمان در برخی از ایالات آلمان از حکومت‌های محلی حمایت کردند (مثلاً، در تورینگنیا). اما، این نباید به هیچ وجه معنای محدود کردن استقلال کمونیست‌های سوئدی و یا خودداری از افشای خطت منشویک یکی حکومت باشد. برعکس، هر چه منشویک‌ها قدرت بیشتری داشته باشند، بیشتر به طبقه کارگر خیانت خواهند کرد و تلاش‌های کمونیست‌ها برای افشای آنها در میان وسیع‌ترین بخش‌های طبقه کارگری باید هر چه بیشتر افزایش یابد. حزب کمونیست باید همچنین کارگران سندیکیالیست را در مبارزات مشترک درگیر سازد.

۱۵- در آمریکا وحدت تمام عناصر چپ در جنبش اتحادیه‌های کارگری و جنبش سیاسی آغاز شده است و چنانچه کمونیست‌ها بتوانند در این جریان وحدت چه نقش مرکزی ایفا کنند، فرصت خواهند یافت که موقعیت خود را در میان وسیع‌ترین توده‌های پرولتاریای آمریکا مستحکم سازند. کمونیست‌های آمریکا نمی‌توانند در هر جایی که حتی تعداد اندکی کمونیست وجود دارد، به تشکیل گروه‌های کمونیستی دست بزنند و باید بتوانند در این جنبش برای وحدت تمام نیروهای انقلابی قرار گیرند. آنها باید بویژه امروزه شعار جبهه واحد کارگری را مثلاً برای دفاع از بیکاران و غیره مطرح کنند. اتهام عمده علیه اتحادیه‌های کارگری گامپرز (۶) با پدید آمدن باشکده آنها

به شرکت در ایجاد یک جبهه واحد کارگری علیه سرمایه‌داران و در دفاع از بیکاران و غیره تمایلی نشان نمی‌دهند. اما، وظیفه عمده حزب کمونیست کم‌کم عبارت است از جلب بهترین عناصر سندیکیالی کارگران صنعتی جهان " (۷).

۱۶- در سوئیس حزب ما پس از دنبال کردن میرپیشنهادی موفقیت‌هایی کسب کرده است. بخاطر تهییج کمونیست‌ها برای یک جبهه واحد انقلابی، پرولتاریای اتحادیه‌های کارگری مجبور به فراخواندن یک کنگره، ویژه اتحادیه‌های کارگری شده است. در این کنگره که قرار است بزودی تشکیل شود، رفقای ما قادر خواهند بود که فریبکاری رفرمیسم را در مقابل همه کارگران سوئیس افشا کنند و همبستگی انقلابی پرولتاریا را افزایش دهند.

۱۷- در برخی از دیگر کشورها مسأله جبهه واحد بر اساس شرایط گوناگون محلی به اشکال متفاوتی مطرح خواهد شد. هیات اجراییه بین الملل کمونیستی اطمینان دارد که با روشن شدن خط مشی عمومی احزاب کمونیست خواهند توانست بر اساس شرایط ویژه، حاکم در کشور خود آن را به نحو درست بکار گیرند.

۱۸- هیات اجراییه بین الملل کمونیستی معتقد است که شرط عمده و اجباری و یکسان برای همه احزاب کمونیست عبارت است از حفظ استقلال مطلق همه احزاب کمونیست در هر گونه توافق با احزاب بین الملل‌های دو و دوونیم و حفظ آزادی کامل برای تبلیغ نظرات خود و طرح انتقادات خود از کسانی که با کمونیست‌ها مخالفت می‌ورزند. احزاب کمونیست در عین حالی که ضرورت انضباط در عمل را می‌پذیرند، باید حق و فرصت عنوان کردن نظرات خود را در باره سیاست‌های تمام سازمان‌های طبقه کارگر بدون استثناء چه در حین اقدامات مشترک و چه پس از آن محفوظ دارند. تحت هیچ گونه موقعیتی رها کردن این شرط مجاز نیست. کمونیست‌ها در عین حالی که از شعار وحدت حداکثر تمام سازمان‌های کارگری در هر گونه اقدام عملی علیه جبهه سرمایه‌داری پشتیبانی می‌کنند، تحت هیچ شرایطی نمی‌توانند از طرح عقاید خود که تنها بیان‌کننده منافع کل طبقه کارگر است، خودداری کنند.

۱۹- هیات اجراییه بین الملل کمونیستی معتقد است که باید آوری تجارب بلشویک‌های روسیه - تنها حزبی که تا کنون در شکست دادن بورژوازی و تسخیر قدرت توفیق یافته - به همه احزاب هم‌منظر مفید خواهد بود. در تمام پانزده ساله که از تولد بلشویزم تا پیروزی آن بورژوازی بطول انجامید (۱۷ - ۱۹۰۳)، بلشویک‌ها از مبارزه‌خستگی ناپذیر علیه رفرمیسم و یا به عبارت دیگر منشویزم دست برنداشتند. با این وجود، در این پانزده سال بلشویک‌ها در بسیاری موارد با منشویک‌ها به توافقاتی رسیدند. انتساب رسمی با منشویک‌ها در بهار سال ۱۹۰۵ بوقوع پیوست، اما در اواخر همان سال، تحت تأثیر گسترش عظیم جنبش کارگری، بلشویک‌ها بطور موقت با منشویک یک جبهه مشترک ایجاد کردند. دومین انتساب رسمی با منشویک عاقبت در ژانویه ۱۹۱۲ رخ داد، اما بین سالهای ۱۹۰۵ و ۱۹۱۲، جدائی مانع وحدت‌ها و شبه‌وحدت‌های سالهای ۱۹۰۷ - ۱۹۰۶ و یا ۱۹۱۰ نشد. این گونه توافقات نه صرفاً بخاطر نوسانات در مبارزات جناحی، بلکه به دلیل فضا رستقیم بخش‌های وسیع کارگران ضرورت می‌یافت. توده‌های کارگر فعالیت سیاسی را آغاز می‌کردند و خواهان این بودند که خود فرصت داشته باشند تا بر اساس تجربه خود دوری بنیادی منشویزم از مسیر انقلابی را آزمایش کنند. قبل از آغاز جنگ جدید انقلابی پس از اعتمادات لانا (۸)، و نه چندان قبل از آغاز جنگ امپریالیستی، توده‌های کارگر روسیه بویژه مشتاق وحدت بودند و رهبران سیاستمدار منشویزم روسی تلاش می‌کردند تا از این روحیه به نفع اهداف خود بخواه استفاده کنند.

هما نظور که امروزه رهبران بین الملل های دو، دوونیم و آمستردام چنین می کنند، بلشویک های روسیه اما در پاسخ به تمایل کارگران برای وحدت از شرکت در هرگونه جبهه و اتحاد خودداری نکردند. برعکس، برای خنثی ساختن بازی دیپلماتیک رهبران منشویک، بلشویکها شعار "وحدت از پائین" ، یعنی وحدت خودتوده های کارگری در مبارزات عملی و برای خواست های انقلابی کارگران علیه سرمایه داران را پیش کشیدند. حوادث بعدی اثبات کرد که این تنها واکنش صحیح بود. نتیجه این تاکتیک که بر اساس موقعیت های زمانی و محلی اصلاح می شد، این بود که بسیاری از بهترین کارگران منشویک بتدریج به کمونیزم جلب شدند.

۲۵- از آنجا که بین الملل کمونیستی شعار جبهه و احدا کارگران را مطرح می کند و توافقات میان بخش های بین الملل کمونیستی و احزاب و اتحادیه های بین الملل های دو و دوونیم را مجاز می شمارد، طبعا نمی تواند توافقات مشابه در سطح بین المللی را رد کند. مثلا، هیات اجرائیه بین الملل کمونیستی به بین الملل آمستردام پیشنهاد داد که در رابطه با مساله کمک به رفع قحطی در روسیه وحدت عمل داشته باشند. پیشنهادات مشابهی نیز برای اقدام علیه تروریسم روس های سفید و مساله خفقان ضد کارگری در اسپانیا و نیوکلاوی ارائه داده است. هیات اجرائیه بین الملل کمونیستی در حال حاضر مشغول مذاکره با بین الملل های دو، دوونیم و آمستردام بر سر مساله اقدام مشترک علیه کارهای اولیه کنفرانس واشنگتن است که نشان می دهد کشتار جدید امپریالیستی طبقه کارگر جهان را تهدید می کند. رهبران بین الملل های دو، دوونیم و آمستردام بر اساس رفتار خود تا کنون نشان داده اند که هنگامی که مساله فعالیت های عملی مطرح می شود، آنها عملا شعارهای خود برای وحدت را فراموش می کنند. در تمام موقعیت های این جناسی، وظیفه بین الملل کمونیستی بطور کلی و همه بخش های آن بطور جداگانه این است که دورویی این رهبران را در وسیعترین محافل کارگری افشاء کنند. اینها وحدت خود را با بورژوازی به وحدت با کارگران انقلابی ترجیح می دهند و باقی ماندن در مثلا، " سازمان بین المللی کارگری جامعه ملل " و با سهیم شدن در کنفرانس امپریالیستی واشنگتن بجای سازماندهی مبارزه علیه آن ماهیت واقعی خود را آشکار می سازند. اما، رد شدن پیشنهادهای عملی بین المللی کمونیستی از جانب رهبران بین الملل های دو، دوونیم و آمستردام باعث این نخواهد شد که ما این تاکتیک را که ریشه های عمیق در میان توده ها دارد و باید بطور شیوه دار و دائمی بسط داده شود، کنار بگذاریم. هر بار که مخالفین ما پیشنهادی برای مبارزه مشترک را رد می کنند، توده ها باید مطلع شوند و بدانند که مغربین جبهه و احدا کارگری چه کسانی هستند. و هر بار که آنها پیشنهاد ما را می پذیرند، باید به تدریج مبارزه را تشدید کنیم و به سطح عالیتری ارتقاء دهیم. در هر دو حالت مساله اساسی این است که توجه توده های وسیع را بسط مذاکرات میان کمونیست ها و سایر سازمان ها جلب کنیم و آنها را نسبت به نوسانات در تلاش برای ایجاد جبهه و احدا انقلابی کارگران علاقه مند سازیم.

۲۱- هیات اجرائیه بین الملل کمونیستی در ضمن طرح نقشه فوق، توجه تمام احزاب هم نظر را به خطراتی که تحت برخی شرایط می توانند پدیدار شوند، جلب می کند. همه احزاب کمونیست به اندازه کافی رشد و استحکام نیافته اند و همه آنها به برش نهائی یا ایدئولوژی سنتریستی و شبه سنتریستی دست نزده اند. احتمال این می رود که در برخی موارد در امر وحدت زیاد روی شود و تا یلاتی در جهت انحلال احزاب و گروه های کمونیست در بلوک های متحد بسودن شکل و محتوی ایجاد گردد. برای آنکه استفاده از این تاکتیک بتواند به اهداف کمونیزم کمک کند، احزاب مشخص کمونیست که آنها را بکار می گیرند باید پذیر و مند، متحد و دارای یک رهبری با برنامه

و عقاید روشن باشند.

۲۲- گروه بندی ها ئی که در درون خود بین الملل کمونیستی کم و بیش به درستی بعنوان جریانات راست و یا حتی شبه سنتریست تلقی می شوند، بوضوح متکی بر دوگرایش متفاوت اند. برخی از عناصر که واقعا از روش ها و ایدئولوژی بین الملل دوم نبریده اند و خود را از توهومات در مورد قدرت قبلی سازمانی آن آزاد نساخته اند، بطور آگاهانه یا نا آگاهانه هنوز تلاش دارند تا با بین الملل دوم و در نتیجه جامعه بورژوازی به توافقات ایدئولوژیک برسند. عناصر دیگر که مخالف رادیکالیزم صوری و اشتباهات با صلاح " جناح چپ " بودند، نگران این اند که احزاب جدیدالتاسیس کمونیست نتوانند برای تقویت هر چه سریعتر نفوذ خود در میان صفوف ساده توده های کارگری در تاکتیک های خود هر چه بیشتر انعطاف پذیری و طراقت نشان دهند. به نظر می رسد که رشد سریع احزاب کمونیست همواره ایمن دو گرایش را بسوی یکدیگر و حتی به درون گروه بندی های واحد حل داده است. استفاده از روش پیشنهادی ما که برای ایجاد یک پایگاه قوی برای تهیج کمونیستی در فعالیت های توده ای متحد پرولتاریاس ضرورت دارد، تنها روش موثر برای افشای گرایش های واقعا رفرمیستی درون احزاب کمونیست است. با استفاده درست از این روش می توان استحکام درونی انقلابی احزاب کمونیست را هم از طریق آموزش مجدد عناصر کثرت رست ناشکیبای " جناح چپ " بواسطه تحریک عملی و هم از طریق تصفیه با زمانه های رفرمیزم تقویت کرد.

۲۳- جبهه و احدا کارگری به معنای وحدت همه کارگانی است که مایل به مبارزه علیه سرمایه داری هستند - منجمله آن کارگانی که هنوز از آن رنجست ها و سندیکالیست ها پیروی می کنند. در کشور های لاتین (و نیز در برخی کشورهای دیگر) هنوز تعداد زیادی از این گونه کارگران وجود دارند و می توانند در مبارزات انقلابی سهیم شوند. احزاب کمونیست از همان ابتدای پیدایش خود روابط دوستانه ای را با آن کارگانی که بتدریج بر تعصبات خود فائق می آیند و بطرف کمونیزم قدم برمی دارند، حفظ کرده اند. کمونیست ها باید امروزه که تشکیل جبهه و احدا کارگری علیه سرمایه داری به یک واقعیت تبدیل می شود، هر چه بیشتر به این گونه کارگران توجه کنند.

۲۴- هیات اجرائیه بین الملل کمونیستی برای تدقیق قطعی فعالیت های بالا در نظر دارد که در آینده نزدیک یک پلنوم گسترده هیات اجرائیه را فرا بخواد و از دو برابر تعداد معمول نمایندگان احزاب مختلف برای شرکت در آن دعوت کند.

۲۵- هیات اجرائیه بین الملل کمونیستی از نزدیک بر همه اقدامات عملی در این بخش از فعالیت ها نظارت خواهد کرد و از کلیه احزاب می خواهد که تمام تلاش های خود و موفقیت های کسب شده در این راه را با ذکر کامل جزئیات به اطلاع آن برسانند ●

ترجمه از فروغ

توضیحات

(۱) - این تزه نخست قبل از کنگره چهارم کمینترن توسط هیات اجرائیه بین الملل و تحت عنوان " درباره وحدت جبهه پرولتری " منتشر شدند. ترجمه فارسی این تزه قبلا در (کندوکا و دوره اول، شماره ۵) منتشر شده است. اما، آن ترجمه که بر اساس متن فرانسوی صورت گرفته بود، نواقص بسیاری داشت. ترجمه فعلی از روی متن انگلیسی و از کتاب اسناد کمینترن (اینک لینک، لندن ۱۹۸۵) ص ۲۹۶ - ۲۰۰، صورت گرفته است.

بقیه توضیحات در صفحه ۹۷

(۲) - کنفرانس واتسنگتن در سال ۱۹۲۱ به ابتکار دولت آمریکایی برگزار شد. هدف آن بحث دربارهٔ خاور دور بود. ژاپن موافقت کرده سواحل شرقی چین (کیاوشو) را ترک کند. استقلال چین برسمیت شناخته شد. تصاحبات آمریکا، بریتانیا، فرانسه و ژاپن در حوزهٔ اقیانوس آرام متفا بلا تثبیت شد. و حجم ماشین‌های دریایی کشورهای فوق در منطقه براساس توافقات این کنفرانس تعیین شد.

(۳) لئون ژوتو (۱۸۷۹ - ۱۹۵۴) LEON JOUHAUX
از سال ۱۹۰۹ به بعد دبیرکل کنفدراسیون عمومی کارگران فرانسه (C.G.T) بود. در دوران جنگ جهانی اول موضع دفاع از جنگ را اتخاذ کرد و برای بسیج کارگران فرانسوی در خدمت تلاش‌های نظامی دولت فرانسه کوشید. او با انقلاب روسیه مخالفت کرد، و جزو نمایندگان فرانسه در جامعه ملل بود. او بعدها از کنفدراسیون کارگران انشعاب کرد و فدراسیون جدیدی از اتحادیه‌های کارگری را ایجاد کرد: FORCE OUVRIERE.

ژان لانگه (۱۸۷۶ - ۱۹۳۸) JEAN LONGNET
وکیل دادگستری و سوسیالیست که در دوران جنگ هر چند که موضعی صلح طلبانه داشت به اعتبارات جنگی رای می‌داد. او سردبیر نشریه LE POPULAIRE بود که به حزب سوسیالیست تعلق داشت. پس از زنگرهٔ ۱۹۲۰ حزب سوسیالیست، هنگامی که اکثریت بدست کمونیست‌ها افتاد، او طرفدارانش انشعاب کردند و به بین‌الملل دوونیم پیوستند. جندی بعدا و به بین‌الملل دوم بازگشت.

(۴) آلفونس مرایم (۱۸۷۱ - ۱۹۲۵) ALPHONSE MERRHEIM
رهبر اتحادیه کارگران فلزکار فرانسه بود. نخستین طرفدار پیوستن حزب سوسیالیست فرانسه به بین‌الملل کمونیستی بود، اما به دنبال تشکیل حزب کمونیست فرانسه با آن مخالفت کرد.

(۵) - "بلوک جی" در فرانسه براساس ائتلاف سوسیالیست‌ها و رادیکال‌ها تشکیل شد و در انتخابات مه ۱۹۲۴ پیروز شد و تا ژوئیه ۱۹۲۶ حکومت را در دست داشت.

(۶) - ساموئل کامپرز (۱۸۵۰ - ۱۹۲۴) SAURUEL GOMPERS
رهبر محافظه‌کار فدراسیون کارگری آمریکا بود. او معتقد بود که حتی بین‌الملل رفرمیست‌آستردام بیش از اندازه "سرخ" است! او یکی از بنیان‌گذاران اتحادیه‌های کارگری در محدوده شرکت‌های سرمایه‌داری بود: "اتحادیه‌های شرکتی"

(۷) - اتحادیه "کارگران صنعتی جهان" در آمریکا (IWW)
در سال ۱۹۰۵ توسط بهترین عناصر حزب آمریکا تشکیل شد. از رهبران آن می‌توان آردیسز DEBS، دو لئون DE LEON، و "مادر" جونز JONES، نام برد. این اتحادیه مبارزات سرخ‌خانه‌ای را در دوران قبل از جنگ سازمان داد. مواضع آن به سندیکالیزم انقلابی نزدیک بود. پس از جنگ عملاً از هم‌پاشید و برخی از مبارزین آن به کمونیسم جلب شدند. مثلاً، ویلیام فاستر WILLIAM Z. FOSTER و جیمز کانون JAMES F. CANON از بنیان‌گذاران حزب کمونیست آمریکا از این اتحادیه آمدند.

(۸) - لئا LENA نام یکی از رودخانه‌های سیبری است. اعتمالات کارگری او اهل سال ۱۹۱۲ در منطقه لئا منجر به جنبش عظیمی از همبستگی در اوایل ماه مه ۱۹۱۲ شد که در واقع آغاز مجدد جنبش انقلابی در روسیه را نشان داد.

اهمیت عظیم جنبش انقلابی مستعمراتی برای هدف انقلاب پرولتری بین‌المللی بدین معناست که فعالیت در مستعمرات به ویژه توسط احزاب کمونیست کشورهای امپریالیستی باید تشدید شود.

امپریالیسم فرانسه تمام محاسبات خود برای سرکوب مبارزه انقلابی پرولتاریا در فرانسه و اروپا را بر امکان استفاده از کارگران مستعمرات خود به یک ارتش ذخیره ضد انقلاب استوار کرده است.

امپریالیسم بریتانیا و آمریکا کامکان از طریق طلب‌اشرافیت کارگری بطرف خود با این وعده که بخشی از ما فوق سود دست آمده از مستعمرات را به آن خواهند بخشید، در جنبش کارگری شکاف ایجاد می‌کنند.

همه احزاب کمونیستی در کشورهای که دارای مستعمره هستند، باید به سازماندهی مبارزه برای همبستگی مادی و معنوی با جنبش پرولتری و انقلابی در مستعمرات دست بزنند. با یبدا گرایش‌های دروغین سوسیالیستی و واقعاً استعماری برخی از زده‌های کارگران مرفه اروپایی در مستعمرات فاطعانه و سرخ‌خانه‌ها مبارزه شود. کارگران کمونیست اروپایی در مستعمرات باید به سازماندهی پرولتاریا برای بومی کمک‌کنند و از طریق طرح حواست‌های ملموس اقتصادی (افزایش سطح زندگی کارگران بومی به سطح کارگران اروپایی، قوانین حمایت از کارگران، بیمه‌های اجتماعی، و غیره) اعماق آنان را بخود جلب کنند. تشکیل سازمان‌های کمونیستی محلی برای اروپایی‌ها در برخی از مستعمرات (مصر، الجزائر) شکل پوشیده از استعمارگر است و فقط به پیشبرد منافع امپریالیسم کمک می‌کند. هرگونه تلاشی برای ایجاد سازمان‌های کمونیستی براساس مرزهای قومی و نژادی با اصول انترناسیونالیزم پرولتری متخالف است. تمام احزاب بین‌الملل کمونیستی موظفند که برای توده‌های وسیع طبقه کارگر اهمیت حیاتی مبارزه علیه سلطه امپریالیستی در کشورها و عقب‌افتادگی‌ها را روشن کنند. احزاب کمونیست کشورهای امپریالیستی باید برای سازماندهی کارهای مربوط به مستعمرات کمیسیون‌های دائمی مرکب از اعضای کمیته مرکزی ایجاد کنند. بین‌الملل کمونیستی باید به احزاب کمونیست در شرق کمک کند - به عنوان شروع کار باید به ایجاد پل‌ها در این کشورها و انتشار مجله و روزنامه به زبان‌های محلی یاری برساند. باید به کار در میان سازمان‌های کارگران اروپایی و نیروهای نظامی اشغال‌کننده مستعمرات توجه ویژه‌ای بشود. احزاب کمونیست در کشورهای قدرت‌های بزرگ نباید هیچ گونه فرصتی را برای افشای ماهیت غارتگرانه سیاست‌های مستعمراتی حکومت‌ها و احزاب فرمت‌طلب و بورژوازی کشورهای خود از دست بدهند.

ترجمه از بهرام

توضیحات:

- (۱) - از کتاب استاد کمینترن (اینک لینک، لندن، ۱۹۸۰) ص ۴۱۹ - ۴۰۹.
- (۲) - توشون، لغت چینی برای امرای جنگی (فئودال‌های بزرگ) است. تلگدار، لغت هندی برای روسای تلک‌ها، واحدهای حکومت‌های محلی در هندوستان است که معمولاً شامل دوست تا شصت دهکده می‌شدند. تلگدارها ما مورجم آوری خراج‌ها نیز بودند.
- (۳) - حزب اشیل اردو (به معنای "سیب‌سبز") حری بود که به اشارهٔ مظفی کمال (آنانورک) تشکیل شد و خود را "کمونیست" می‌دانست. کومینتانگ حزب ناسیونالیست چین بود که در سال ۱۸۹۱ تشکیل شد و رهبر اولیه آن سون یات‌سن بود.
- (۴) - ووبی فو Wu Pei-Fu و شانگ تسولین Chang Tso-lin از امرای جنگی (فئودال) چین بودند.